

باسمه تعالی

جزوه سؤالات درس به درس دین و زندگی (۳)، پایه دوازدهم

طراح: قاسم مندوانی، دبیر معارف اسلامی استان خوزستان، شهرستان شادگان

ردیف	درس اول: «هستی‌بخش»	صفحه
۱	هر کدام از ما بر اساس «.....»، خدا را در می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. پاسخ: «فطرت خویش»	۱۳
۲	ما بر اساس فطرت [الهی] خویش، می‌دانیم که در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟ پاسخ: در جهانی زندگی می‌کنیم که، آفریننده‌ای «حکیم» آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات و مخلوقات مسدود می‌رساند.	۱۳
۳	آیا شناخت اولیه از جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، کافی است؟ توضیح دهید. پاسخ: خیر، با وجود این شناخت اولیه و فطری، قرآن کریم؛ ما را به معرفت عمیق‌تر درباره خداوند فرا می‌خواند و راه‌های گوناگونی برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها، تفکر درباره نیازمند بودن جهان در پیدایش خود، به آفریننده و خالق است.	۱۳
۴	اگر به خودمان نظر کنیم، خود را «پدیده» می‌یابیم یا «بیدار»؟ توضیح دهید. پاسخ: خود را «پدیده‌ای» می‌یابیم که وجود و هستی‌مان از خودمان نیست. اگر در اشیای پیرامون خود نیز تأمل کنیم، آن‌ها را همین‌گونه می‌بینیم؛ حیوانات، نباتات، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کیهکشان‌ها، همه را پدیده‌هایی می‌یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.	۱۳
۵	پدیده‌ها – که وجودشان از خودشان نیست – برای موجود شدن، نیازمند به چه کسی هستند؟ بنویسید. پاسخ: نیازمند به پدیدآورنده‌ای (بیداری) هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد. «عبدالرحمان جامی» این معنا را در دو بیت چنین بیان می‌کند: ذات نایافته از هستی، بخش چون تواند که بود هستی بخش خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب دهی	۱۳
۶	در آفرینش، یک موجود فقط در چه صورتی در «وجود خود» نیازمند به دیگری نیست؟ بنویسید. پاسخ: فقط در صورتی که «خودش ذاتاً موجود باشد» در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدید آورنده نخواهد داشت؛ زیرا همواره بوده است و خواهد بود.	۷
۷	ما و همه پدیده‌های جهان در پدید آمدن و هست شدن خود، به چه کسی نیازمند و محتاجیم؟ پاسخ: به آفریننده‌ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این موجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می‌شود.	۷
۸	آیا رابطه «جهان» با «خدا» مانند رابطه «بنا» با «مسجد» است؟ توضیح دهید. پاسخ: اگر اندکی دقت کنیم، درمی‌یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد، از مصالح ساختمانی مانند خاک، سنگ، گچ، چوب، کاشی و... تشکیل شده که هیچ‌کدام از آن‌ها را بنا به وجود نیاورده است. هر یک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی‌کند. بنا، نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را. به عبارت دیگر؛ بنا، نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا، فقط جابجا کردن مواد و چسب آن‌ها	۹

	است. اما خداوند، خالق سنگ، گنج، چوب و خواص آن‌ها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس وجود و هستی بنا و نیز وجود مصالح و خواص آن‌ها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آن‌ها را از بین می‌برد و ساختمان تلاشی می‌گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع و یا کم نمی‌شود.
۹	در مقام مثال؛ رابطه «خداوند» با «جهان»، تا حدی شبیه کدام نوع رابطه است؟ بنویسید. پاسخ: رابطه «مولد» با «جریان برق» است؛ همین‌که «مولد» متوقف شود، «جریان برق» هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند.
۱۰	تفاوت مسجد و ساختمان را با پدیده‌ها و موجودات در مرحله پیدایش مقایسه نمایید. پاسخ: مسجد و ساختمان با ساخته شدن، از بنا، بی‌نیاز می‌شوند اما پدیده‌ها و موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.
۱۱	تفاوت انسان‌های «نا آگاه» و انسان‌های «آگاه» نسبت به نیازهای دائمی به خداوند را بنویسید. پاسخ: انسان‌های «نا آگاه» نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، «بی‌توجه‌اند» اما انسان‌های «آگاه» دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند.
۱۲	هر چه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، چه نتایجی در پی خواهد داشت؟ پاسخ: نیاز به خدا را بیش‌تر احساس و عجز و بندگی خود را به او، بیش‌تر ابراز می‌کند. افزایش خودشناسی — درک بیش‌تر فقر و نیاز — افزایش عبودیت و بندگی خداوند
۱۳	«پیلبرگرمی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصی را از او نگیرد و او را به حال خود واگذارد نکند.» کدام گزینه، واقعی‌تر است؟ الف) اللَّهُ لَا تَكَلِّي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا <input checked="" type="checkbox"/> ب) اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ <input type="checkbox"/> ج) يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ <input type="checkbox"/> د) يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ <input type="checkbox"/>
۱۴	قرآن کریم، رابطه میان «خداوند» و «جهان هستی» را با چه کلمه‌ای بیان می‌کند؟ بنویسید. پاسخ: با کلمه‌ای بیان می‌کند که در نظر اول برای ما شگفت‌انگیز می‌نماید! اما پس از تفکر دقیق، به معنای آن پی می‌بریم؛ قرآن کریم می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ خداوند، نور آسمان‌ها و زمین است.» ما یا نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند.
۱۵	«نور» چیست؟ بنویسید. پاسخ: آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکار هستند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر می‌شوند.
۱۶	«نور بودن خداوند» به چه معناست؟ پاسخ: خداوند، «نور هستی» است. یعنی تمام موجودات «وجود» خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی بخش خداوند و نشاتگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.

۱۱	<p>۱۷ «آنان که به دقت و تأمل در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.» اگر از ما سؤال شود، کدام بیت مؤید مطلب بالاست، باید بگوییم: تمامی ابیات به جز بیت</p> <p>الف) دلی کز معرفت نور و صفا دید ب) ما نبودیم و تقاضایمان نبود ج) به صحرا بنگرم صحرا تو بینم د) به هر جا بنگرم کوه و در و دشت</p> <p>به هر چیزی که دید، اول خدا دید <input type="checkbox"/> لطف تو ناگفته ما می‌شود <input checked="" type="checkbox"/> به دریا بنگرم دریا تو بینم <input type="checkbox"/> نشان از قامت رعنا تو بینم <input type="checkbox"/></p>
۱۲	<p>۱۸ این‌که انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، چگونه قابل دسترسی و تحقق است؟ بنویسید.</p> <p>پاسخ: این‌که انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست، مشکل به نظر می‌آید، اما هدفی قابل دسترسی است، به خصوص برای نوجوانان و جوانان که «باکی و صفای قلب» دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.</p>
۱۳	<p>۱۹ موضوعاتی که می‌خواهیم درباره آن‌ها شناخت پیدا کنیم، چند دسته‌اند؟ آن‌ها را بنویسید.</p> <p>پاسخ: دسته اول موضوعاتی هستند که در «محدوده شناخت» ما قرار می‌گیرند، مانند گیاهان، حیوان‌ها، ستارگان و کهکشان‌ها؛ حتی کهکشان‌های بسیار بسیار دور هم ممکن است روزی مورد شناسایی واقع شوند و انسان بتواند ماهیت و ذات آن‌ها را شناسایی کند. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد؛ زیرا همه آن‌ها اموری «محدود» هستند. دسته دوم موضوعاتی هستند که «نامحدودند» و ذهن ما گنجایش درک آن‌ها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است.</p>
۱۳	<p>۲۰ آیا می‌توان به ذات خداوند پی برد و چستی او را مشخص کرده توضیح دهید.</p> <p>پاسخ: ذات خداوند از موضوعات دسته دوم در شناخت قرار می‌گیرد، یعنی ذات خداوند، از موضوعات «نامحدود» است که ذهن ما گنجایش درک آن را ندارد، به عبارت دیگر، لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است، در حالی که ذهن ما توانایی احاطه و دسترسی بر ذات و چستی خداوند را ندارد. [به دلیل محدود بودن ذهن خود، نمی‌توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم.]</p>
۱۳	<p>۲۱ چرا ذهن ما نمی‌تواند به حقیقت خداوند احاطه پیدا کند و ذاتی را شناسایی نماید؟ بنویسید.</p> <p>پاسخ: زیرا خداوند، حقیقتی «نامحدود» دارد؛ به عبارت دیگر، به دلیل محدود بودن ذهن خود، نمی‌توانیم ذات خدای نامحدود را تصور و چگونگی وجودش را دریابیم.</p>
۱۳	<p>۲۲ دو پیام برای حدیث پیامبر اکرم (ص) که در آن می‌فرماید: «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» بنویسید.</p> <p>پاسخ: ۱) ما می‌توانیم به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی ببریم و صفات و اسماء او را بشناسیم. ۲) ما نمی‌توانیم ذات و چستی خداوند را به دلیل محدود بودن ذهن خود، تصور کنیم.</p>